

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال پانزدهم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۴۰۲، پیاپی ۵۸، صص ۸۷-۱۱۲

DOI: 10.22099/JBA.2023.47377.4396

مرآةالجمال‌های فارسی

نوع‌شناسی و نسخه‌شناسی یکی از زیرگونه‌های سرایانامه‌سرایایی

سعید شفیعیون*

چکیده

یکی از مهم‌ترین زیرگونه‌های سرایانامه‌های فارسی، سرایانامه‌های تدوینی است که بیشتر با عنوان مرآةالجمال شناخته می‌شود و خود نیز از وجوه مختلف به زیرقسم‌هایی قابل‌بخش است. در کنار مشهورترین نمونه‌ی آن، یعنی مرآةالجمال صائب تبریزی، شاعر ادیبی که خود در عرصه‌ی خلق مضامین و نیز سفینه‌پردازی مقام والا و مشهوری در ادب فارسی دارد، آثار دیگری هم هست که عموماً شامل منتخب شعر یا نثر فارسی در موضوع سرایای معشوق است. این نوع گزیده‌های مضمونی خود می‌تواند زمینه‌ی پیدایش نوعی فرهنگ مضامین ادبی فارسی خاصه سبک هندی را فراهم کند تا مخاطب خاص بتواند از طریق آن نیز به فهم درست و التذاذ هنری کلام این سخنوران باریک‌اندیش دشوارگوی نزدیک شود. در این مقاله سعی شده است تا ضمن تحلیل مفصل مرآةالجمال صائب به‌عنوان نمونه‌ی شاخص این زیرگونه، هرچند به‌اجمال درنگی هم بر سایر مرآةالجمال‌های منظوم و منثور شود و از آنجاکه این آثار هیچ‌یک تا به امروز به کسوت چاپ نیامده‌اند، در کنار گونه‌شناسی، نسخه‌ها نیز معرفی و بررسی شوند.

واژه‌های کلیدی: آزاد بلگرامی، صائب تبریزی، محرم کشمیری، مرآةالجمال، وارسته سیالکوتی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان saeid.shafieion@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۴/۵/۴۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۲۲/۳/۴۰۲

۱. مقدمه

از آنجاکه مرآةالجمال زیرگونه‌ی سراپانامه است، لازم است نخست مروری بر اصل گونه و انواع آن کنیم. همان‌گونه که می‌دانیم سراپا یکی از انواع ادبی فارسی است که در آن شاعر یا نویسنده همّت اصلی و آغازین خود را در وصف زیبایی‌های سراپای معشوق عموماً مطابق سنت‌های ادبی به طرز خیالین و هنرمندانه‌ای به کار بسته باشد. در واقع موضوع اصلی سراپا، تنها وصف معشوق آن هم تمام گستره‌ی وجودی اوست و دیگر آنکه آفریننده‌ی آن در پدید آوردنش، قصد ابتدایی دارد و طرز بیان آن نیز کاملاً ادبی و در چهارچوب بلاغت سنتی همراه با خیال‌بازی‌ها و اغراق‌های شاعرانه است. این سه ویژگی از شرایط بایسته و درهم‌تنیده‌ی سراپاهای اصیل است. منظور از این تأکید و تقسیم‌بندی آن است تا مجموعه‌ی اشعار و عبارات پراکنده‌ای را که حاوی چنین مضمونی هستند؛ ولی آفریننده‌ی آن از ابتدا برایش هیچ قصد اصلی یا صورت مستقلی متصور نبوده است، از این دست سراپاها جدا کنیم (رک. شفیع‌یون، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

این گونه‌ی ادبی از منظرهای متفاوتی قابل تقسیم است، به طوری که از لحاظ استقلال وجودی به سراپانامه‌های اصیل و تدوینی بخش‌پذیر است. تدوینی‌ها یا همان مرآةالجمال‌ها برخلاف دسته‌ی نخست صورت پسینی دارند و حاصل جمع همان مضامین است که به‌طور پراکنده پیش‌تر در ضمن اثر یا آثار یک یا چندین شاعر قرار داشته است. با این حال باز همچنان تفاوت‌های ظریفی بین سراپاهای تدوینی هست و البته غلبه با آن‌هایی است که تدوینگر مضامین را از بین آثار دیگران گردآوری و ارائه کرده است تا آنکه شاعری مانند صائب تبریزی خود به انتخاب و تدوین این نوع اشعارش در قالب یک اثر جداگانه دست یازیده باشد. گویا معروفیت این شاعر و جایگاه بلند او در مضمون‌پردازی بعدها باعث شده که به اغلب سراپاهای تدوینی به‌خصوص در فهرست‌های نسخ خطی عنوان «مرآةالجمال» و حتی مرآةالجمال صائب اطلاق شود و البته گاه هم آن‌ها را سراپا خوانده‌اند.^۱ نظر به تعدد مرآةالجمال‌های فارسی از سویی و نیز

جایگاه و اهمیت مرآةالجمال صائب ازسوی دیگر، در این مجال پس از گذری به سایر مرآةالجمال های فارسی با تأکید بیشتری به معرفی و تحلیل این اثر می پردازیم. شایان ذکر است که تحقیق و تحلیل گزیده های مضمونی خود می تواند زمینه ی تألیف نوعی فرهنگ مضامین ادبی فارسی خاصه سبک هندی را فراهم کند تا مخاطب خاص بتواند از طریق آن نیز به فهم درست و التذاذ هنری کلام این سخنوران باریک اندیش پیچیده گو نزدیک شود. بر این اساس است که در این مقاله به گزیده پردازی از دیوان صائب هم اشاره کرده ایم. البته در این بین چند گزیده ی مضمونی هم هستند که در فهرست ها به غلط جزو مرآةالجمال های صائب دانسته شده است؛ ولی چون دو نسخه از آن ها برخوردار از منتخبات قابل توجه و مغتنمی از موضوعات سراپایی اند، در عداد نسخ بالا قرار دادیم؛ بنابراین برای تکمیل بحث ناچار به معرفی و بررسی جامع نسخه شناسانه این آثار نیز پرداختیم.

۲. مرآةالجمال های فارسی

نخست باید بگوییم که قداما در اطلاق عناوین نوعی چندان منضبط و مقید نبوده اند و نظر به شناخت کلی و گاه غلطی که به خصوص از گونه های شبیه به هم داشتند، دچار تخلیط و اشتباه می شدند. گاهی حتی صاحبان اثر شناخت دقیقی از عناصر گونه ساز یا حتی عنوان نداشتند؛ پس بر گونه شناس است که با تکیه بر متون و نظرگاه صحیح و به اسلوبش نظمی نو به این تشنت ها ببخشد (رک. شفیعیون، ۱۳۹۴: ۸۹).

از نمونه های تشنت در این موضوع می توان به محرم کشمیری اشاره کرد که بر مرآةالجمالش، نام زینةالجمال نهاده است (ادامه ی مقاله). البته در این میان از نقش جنگ پردازان و فهرست نویسان هم نباید غافل شد؛ زیرا تعدادی از عناوین مشهور حاصل دخل ایشان است و نه صاحبان اثر، مثل جنگ پرداز نسخه ی قاجاری کتابخانه ی ملک و به تبع فهرست نویس آنجا که به جای عنوان «مرآةالجمال» آن را رساله ای در زیبایی های اندام انسان معرفی کرده اند.

به هر روی هم از لحاظ ماهیت و هم صورت محتوا با دو نوع مرآةالجمال روبه‌رو هستیم: یکی مرآةالجمال‌هایی که شامل منتخباتی از یک شاعر یا نویسنده باشند؛ مانند *مرآةالجمال* صائب تبریزی و این خود می‌تواند حاصل تدوین صاحب اثر یا یکی از معتقدین او مثل *مرآةالجمال نصرآبادی* باشد. دو دیگر مرآةالجمال‌هایی که شامل منتخبات چندین شاعر یا نویسنده باشد و این خود می‌تواند مانند همان جنگ قاجاری ملک بسیار واضح و ساده باشد و تنها حاوی نوعی باب‌بندی و عنوان‌گذاری و حتی تفسیر اشاره‌وار لغوی باشد و همچنین می‌تواند مانند منتخب آزاد بلگرامی و محرم کشمیری تدوینی مرکب و تلفیقی از طبع تدوینگر و آثار تدوین‌یافته باشد.

از منظر صورت نیز به دو دسته‌ی منظوم و منثور بخش‌پذیرند که البته نوع منثور آن بسیار نادر است و تا به امروز بیشتر از یک نمونه از آن، *نامه‌ی نگارین* و *صفحه‌ی رنگین* وارسته‌ی سیالکوتی، سراغ نداریم که منتخب بعضی موضوعات سرپایی از آثار تاریخی و ادبی معاصران اوست. *چارآیین محبوبی* و *مرآةالجمال* ثابت علی‌خان هم در واقع نوعی سرپای نثر و نظم است که البته *چهارآیین* در حد چند بیت بیشتر ندارد و مانند *نامه‌ی نگارین*، مرآةالجمال ضمنی به شمار می‌آیند؛ یعنی موضوع اوصاف معشوق در ضمن بقیه‌ی موضوعات وصفی آمده و صورت مستقل ندارد. این در حالی است که ثابت علی‌خان طبق سفارش ممدوحش بر خود تکلیف کرده تا در عنوان هر وصف از اعضا بیتی بسراید. عنوان مرآةالجمال برای این اثر اخیر هم نام تاریخی اثر یا همان کرونوگرام است و بر سال تألیفش گواهی می‌دهد.

در ضمن باید همین‌جا یادآور شویم که طبق سنت یکی از فصول موضوعی جنگ‌های رباعی از *نزهةالمجالس* گرفته تا *جوهرالخیال* رباعیاتی است که در وصف اعضا و اطوار و اخلاق معشوق سروده شده بوده و می‌توان آن را نوعی مرآةالجمال ضمنی دانست.

۲. ۱. سرپای آزاد بلگرامی

به شماره‌ی میکروفیلم Q۹۱۶۵۵۷۴/۸۱ کتابخانه‌ی مولانا آزاد دانشگاه علیگر، تدوین

منظومی از مثنویات حدود بیست شاعر است که هم بحر با خسرو و شیرین نظامی سروده اند؛ مثل امیر خسرو، جامی و زلالی تا پدرش، عبدالجلیل بلگرامی. آزاد با اشعار خود آن ها را به هم پیوند داده که در مجموع مثنوی ای ۱۲۱۲ بیتی شده است؛ البته خود او در انجام مثنوی اش به همی این مطالب اشاره می کند. موضوعات زیر فهرستی از اوصاف این مثنوی است که در واقع مطابق مفصل ترین سرایاها فراهم آمده و جز وصف بزم و آلات آن به معایب معشوق هم پرداخته و در ادامه به رسم برخی سرایاها تأویل عرفانی هم آورده شده و در آخر مانند برخی دیگر از مرآة الجمال های ضمنی به تذکره ای احوال و به ویژه ترجمه ای حال خود مؤلف اشاره کرده است.

۱. وصف باغ و بهار؛ ۲. حسن؛ ۳. سبز چهره؛ ۴. مو؛ ۵. فرق؛ ۶. زیور فرق، مقنعه، موبند؛ ۷. زلف؛ ۸. رخ؛ ۹. خال؛ ۱۰. چیچک؛ ۱۱. عرق؛ ۱۲. غازه؛ ۱۳. معجر و کتاری و نقاب؛ ۱۴. جبین؛ ۱۵. قشقه؛ ۱۶. ابرو؛ ۱۷. وسمه؛ ۱۸. چشم؛ ۱۹. نگاه؛ ۲۰. مژگان؛ ۲۱. بینی؛ ۲۲. دهن؛ ۲۳. لب؛ ۲۴. مسی و پان؛ ۲۵. دندان؛ ۲۶. زبان؛ ۲۷. آواز؛ ۲۸. لکنت؛ ۲۹. زرخدان؛ ۳۰. غبغب؛ ۳۱. گردن؛ ۳۲. بناگوش؛ ۳۳. گوش؛ ۳۴. گلو و گلوبند؛ ۳۵. آغوش و بر و دوش؛ ۳۶. لباس و گریبان و دامن؛ ۳۷. سینه؛ ۳۸. پستان؛ ۳۹. بازو؛ ۴۰. ساعد؛ ۴۱. چوری؛ ۴۲. کف؛ ۴۳. انگشت؛ ۴۴. حنا؛ ۴۵. شکم؛ ۴۶. ناف؛ ۴۷. پشت؛ ۴۸. میان؛ ۴۹. شرمگاه؛ ۵۰. زانو؛ ۵۱. ساق؛ ۵۲. انگشتان، حنا و خلخال؛ ۵۳. قامت؛ ۵۴. مناظره ای عاشق و معشوق؛ ۵۵. گلگشت معشوق؛ ۵۶. وصف شب؛ ۵۷. وصف قصر؛ ۵۸. وصف بزم و می و قلیان؛ ۵۹. وصف سرایای زیبارویان مجلس؛ ۶۰. وصف طرب و نغمه؛ ۶۱. وصف مختصر سرایای رقاصان و رقص ایشان؛ ۶۲. گریز به معشوق الهی و حالت عرفانی؛ ۶۳. اشاره به تلاشش برای درهم آمیزی اشعار دیگران (با ذکر نامشان) و بندوبست های خودش و ماده ی تاریخ آن «بهار حسن مرآة الجمال است» و سلسله ی خاندانش تا امام علی و طلب دعا از خواننده. از ویژگی های مهم این اثر اوصاف رایج اهالی شبه قاره است؛ مثل مسی (missi) و پان (pan) و کتاره (katare) که هم از نظر زبانی و هم از نظر فرهنگی و اجتماعی بسیار قابل توجه است.

۲.۲. سرایای محرم کشمیری با نام *زینةالجمال*

نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملک به شماره‌ی ۴۶۷۶ که تدوین‌گر آن مانند آزاد مقدمه‌ای در قالب مثنوی سروده که بر اساس مقدمه‌ی منظومش در بحر خفیف این کار را که شامل جمع و تدوین ابیات پراکنده است، بر اساس دستور امیر یا وزیر ممدوح خویش با لقب صاحب دیوان انجام داده. این شاعر را نباید با محرم‌بیک کشمیری (رک. راشدی، ۱۳۴۶: ۱۴۴۹-۱۴۵۰) یا محرم‌بیک کوکه، مداح امیر کامران میرزا برادر همایون‌شاه بابر، یکی دانست (رک. قانع تتوی، ۱۹۵۷م: ۷۰۰-۷۰۱؛ کامی قزوینی، ۱۳۹۵: ۶۱۰). دلیل ما بر این سخن، وجود اشعار متعددی از شاعران اواخر قرن یازدهم، نظیر صائب و معز فطرت در این مجموعه است. فهرست موضوعات آن به قرار زیر است:

۱. دیباجه‌ی منظوم: توحید و نعت پیامبر و خلفا و ممدوح و سبب تدوین سرایا؛ ۲. کاکل و زلف؛ ۳. چین و جبین و پیشانی؛ ۴. حسن و ناز؛ ۵. قامت؛ ۶. تغافل؛ ۷. ابرو؛ ۸. نگاه؛ ۹. مژگان؛ ۱۰. سرمه؛ ۱۱. بینی؛ ۱۲. عرق؛ ۱۳. خط [و] بناگوش؛ ۱۴. خال؛ ۱۵. خط؛ ۱۶. لب و بوسه؛ ۱۷. سخن و زبان؛ ۱۸. زرخندان و چاه ذقن؛ ۱۹. گردن و ساعد؛ ۲۰. آغوش؛ ۲۱. دست و حنا؛ ۲۲. دوش؛ ۲۳. سینه؛ ۲۴. میان؛ ۲۵. عضو مخصوص؛ ۲۶. ساق و پای و کف پا.

۲.۳. *مرآةالجمال آستان قدس*

این نسخه به شماره‌ی ۴۳۴۰۹ که اگرچه با عنوان *مرآةالجمال* صائب در نسخه نامیده شده، باید گفت که حاوی اشعار بسیاری دیگر از شاعران هم در متن و هم در هامش است؛ البته ابیات در هامش نسخه، بعدها با قلم دیگر اضافه شده است. اشعار شاعران دیگر از امیرخسرو تا شاعرانی چون زاللی و اسیر و غنی و بیدل و حزین و ناصرعلی سهرندی است که قدمت این اثر را تا قرن دوازدهم پیش می‌آورد و با توجه به نام شاعران هند در کنار صائب به نظر می‌رسد در شبه‌قاره یا افغانستان تدوین شده است. همچنین باید گفت از ابیاتی که بعدها در حاشیه مثل شعر طرزی افغان به خط شکسته به این نسخه اضافه شده و تاریخ ماه رجب ۱۲۹۹ را دارد، می‌توان احتمال داد که تنقیح‌کننده‌ی این نسخه‌ی

خطی ادیبی بوده است که توانسته تا حدی اغلاط و سقطات کاتب نسخه را برطرف کند. بخش زیادی از این اغلاط، حافظه‌محوری کاتب بوده و لزوماً در نگاه اول ناتندرست نیست و مواردی وجود دارد که تنها ردیف این اشعار با دیوان اختلاف دارد. کلاً موضوعات این منتخب فراتر از حد معشوق و متعلقات آن است و شاید هم معشوق در قالب شاهزاده و ترک نظامی دیده شده که آداب و اطوار بازداري و بر اسب نشستنش داخل این منتخب شده. موضوعات آن به قرار زیر است:

۱. بیاض؛ ۲. کاکل؛ ۳. کلاه و شکن کلاه و پر کلاه و دستار؛ ۴. چین و پیشانی؛ ۵. ابرو؛ ۶. چشم و نگه و سرمه؛ ۷. نگاه؛ ۸. مژگان؛ ۹. بینی؛ ۱۰. وصف لب و دهن؛ ۱۱. بوسه؛ ۱۲. مسی؛ ۱۳. دندان؛ ۱۴. خال لب؛ ۱۵. زبان؛ ۱۶. عارض و رخسار؛ ۱۷. خط و عارض و رخسار؛ ۱۸. بناگوش؛ ۱۹. زلف؛ ۲۰. زنخدان و ذقن و غبغب؛ ۲۱. گردن و بیاض گردن؛ ۲۲. چهره و تمام صورت؛ ۲۳. خال؛ ۲۴. عرق؛ ۲۵. تصویر؛ ۲۶. کمانداری معشوق؛ ۲۷. سینه و پستان و ناف؛ ۲۸. کمر و اعضایی که متعلق به آن است؛ ۲۹. بهله؛ ۳۰. اعضایی که متعلق به کمر است؛ ۳۱. دوش آغوش؛ ۳۲. مواصلت من امیر خسرو؛ ۳۳. حمام رفتن ایاز؛ ۳۴. ساق؛ ۳۵. پا و آنچه متعلق به آن است؛ ۳۶. خرام؛ ۳۷. رنگینی بلاس و نازکی اندام؛ ۳۸. غمزه و ناز و کرشمه؛ ۳۹. قد و قامت؛ ۴۰. خانه زین نشستن؛ ۴۱. اسب و از اسب افتادن؛ ۴۲. تعریف باز.

۲. ۴. جنگ قاجاری کتابخانه‌ی ملک

این جنگ به شماره‌ی ۱۹۷۴/۰۰۴ فاقد عنوان کلی است که از حضور پرتعداد شاعران متأخر پارسی‌گوی هندی و عناوین فرعی و توضیحاتی که برای معنی اصطلاحی اعضا آمده، می‌توان آن را نوعی اصطلاح‌نامه‌ی موجز دانست که برای هندیان نوشته شده است. با آنکه وصف زشتی‌های سراپای معشوق هم در سراپانامه‌ها بی‌سابقه نیست؛ اما از این لحاظ که بخش آخر کاملاً به عیوب متعدد اعضای معشوق پرداخته، در میان مرآةالجمالها

ممتاز است و شاید از همین روی فهرست‌نویس این اوصاف را لایق آدمی دانسته است، نه معشوق. بخش‌های این منتخب از قرار زیر است:

۱. در صفت زلف و آنکه مسلسل بر خاک افتد و پای محبوب، سراندازی محبوبان کند آن مو را زلف می‌خوانند؛ چراکه زلف مخصوص است به نازنینان و موی به موی‌دار؛ ۲.
- در صفت کاکل و آنکه مسلسل چنان باشد که موی زنگی چون زره در یکدگر درهم رفته باشد و آن را به پهلوی مرغوله گویند و به پارسی کاکل خوانند؛ ۳. در صفت گیسو و آنکه از بناگوش فرودارد و در گردن محبوب پیچد آن را گیسو خوانند؛ ۴. در صفت طره و آنکه بر دوش رسد و از دست‌درازی پیوسته او را با ریش سربندند، آن را طره خوانند؛ ۵. فرق و فرق به فتح فاء، راه میان موی سر که آن را فرق سر نیز گویند و به هندی مانگ خوانند؛ ۶. حسن و جمال و نکویی روی محبوب؛ ۷. جبهه که به فارسی پیشانی گویند و آن میان دو ابرو که به فارسی ناصیه باشد و چین پیشانی و غیره؛ ۸. در صفت چین پیشانی که آن را سرکه پیشانی نیز گویند؛ ۹. در صفت ابرو و چین ابرو و عقده و غیر آن؛ ۱۰. در صفت چین ابرو و عقده ابرو و گره ابرو نیز خوانند؛ ۱۱. در صفت گوش و بن گوش و زیورهای آن از لعل و در و زمرد و غیره؛ ۱۲. در صفت چشم و پشت چشم و غمزه و عشوه و غیره؛ ۱۳. در صفت سیاهی چشم؛ ۱۴. در صفت نگاه چشم؛ ۱۵. در صفت مژگان و درازی آن؛ ۱۶. در صفت سرمه؛ ۱۷. در صفت بینی و آنچه تعلق به او دارد؛ ۱۸. در صفت رخسار و عارض و عذار و خد و غیره؛ ۱۹. در صفت خال؛ ۲۰. در صفت رخ و چهره و روی و شکل؛ ۲۱. در صفت خط و سبزه‌ی آغازی و ریش درازی و غیره؛ ۲۲. در صفت موی پشت لب یعنی بروت؛ ۲۳. در صفت لب؛ ۲۴. در صفت دهن و دهان؛ ۲۵. در صفت دندان؛ ۲۶. در صفت زبان؛ ۲۷. در صفت زرخدان؛ ۲۸. در صفت غنغب؛ ۲۹. در صفت گردن؛ ۳۰. در صفت ساعد؛ ۳۱. در صفت انگشت دست؛ ۳۲. در صفت سینه؛ ۳۳. در صفت پستان؛ ۳۴. در صفت ناف؛ ۳۵. در صفت میان کمر؛ ۳۶. در صفت مکان مخصوص یعنی فرج؛ ۳۷. در صفت ساق پا؛ ۳۸. در صفت بلندی و کوتاهی قد و قامت؛ ۳۹. در صفت عیوب مثل بینی بریده و یک چشم و داغ و چیچک و کنج سر

و احوال چشمی و زردمویی و سفیدمویی و ریخته شدن مژه و غره و کلف که بر رخسار باشد و خط زرد و فراخی دهن و دندان که در دهن نباشد.

۲. ۵. چمن سرور

نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، به شماره‌ی ۲۴۸۲ از دری شوشتری در بیست و چهار موضوع با انتخاب اشعار متقدمین و معاصرینش به‌همراه ترجمه‌ی چند شاعر که در نخست به یکی از شاهزادگان قاجاری تقدیم شده است و بعد به‌واسطه‌ی نقاری که بین مؤلف و او پیش می‌آید، از نام او کنده شده و به سادات و حکام آن شهر تقدیم شده است. جز اشعار به دیباجه‌های منثور در آغاز موضوعات و سپس حکایت‌های تاریخی و طنزآمیز در خاتمه‌ی کتاب می‌توان اشاره کرد. بخش‌های مربوط به سرپای معشوق به شرح زیر است:

۱. فصل دهم: در تعریف زلف؛ ۲. فصل یازدهم: در تعریف ابرو؛ ۳. فصل دوازدهم: تعریف دهان؛ ۴. فصل سیزدهم: تعریف لب؛ ۵. فصل چهاردهم: تعریف خط؛ ۶. فصل پانزدهم: تعریف میان؛ ۷. فصل شانزدهم: تعریف قامت.

۲. ۶. گلدسته‌ی برجسته و گنجینه‌ی سر بسته‌ی

میکروفیلم ۹۱۰۰ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران از وارسته‌ی سیالکوتی (م ۱۱۸۰) ادیب هندی است که تألیفات متعدد مشهوری دارد. این جنگ که بر اساس گونه‌ها و خرده‌گونه‌ها و قالب‌های ادبی فراهم آمده است، حاوی مرآةالجمال نیز هست. نسخه‌ی دانشگاه تهران متأسفانه برخی اوراقش حاوی عنوان و عاری از محتواست و بعضاً هم اوراقش جابه‌جاست. در این جنگ نویسنده ابتدا دیباجه‌ای به نثر و نظم درباره‌ی سرپای آورده و بعد فصولی را بعضاً با عناوین موزون به‌ترتیب زیر آورده و عناوین ساده با همان قلم به عناوین منظوم حک و اصلاح شده است یا در ضمنش، مصرعی موزون آمده؛ برای نمونه «در صفت سایه» به «صفت سایه‌اش کند خورشید» تبدیل شده است. همچنین باید گفت که در ادامه‌ی

اوصاف سراپا، فصولی در تعریف بهار و گل‌ها آمده و باز بخشی به رباعیاتی اختصاص یافته که در وصف معشوق و اندام اوست. عناوین آن به ترتیب زیر است:

۱. طبعم از زلف پیچ‌وتاب گرفت؛ ۲. در صفت سر و فرق (که خالی از اشعار است)؛ ۳. در صفت خط فرق؛ ۴. صاف گویم صفت چین جبین؛ ۵. سخن به وصف رخس تازه‌رو چون گل گردید؛ ۶. در وصف عرق ز هوش رفتم؛ ۷. طبع از صفت ابرو چون طبع هلالی شد؛ ۸. بهر مدح چشم او نرگس قلم در کف گرفت؛ ۹. در صفت چشم؛ ۱۰. در صفت بناگوش؛ ۱۱. در صفت نگاه؛ ۱۲. در صفت مژگان؛ ۱۳. در صفت خال و خط؛ ۱۴. در صفت خط، قلم از مو کنم در وصف خطش؛ ۱۵. تعریف بینی؛ ۱۶. به مدح حلقه‌ی بینی سخن گوهر به دامن ریخت؛ ۱۷. در وصف دهن هیچ سخن وانتوان گفت؛ ۱۸. قلم از نیشکر کردم به تعریف لب لعلش، در صفت لب؛ ۱۹. در صفت زبان؛ ۲۰. در صفت دندان؛ ۲۱. در صفت سخن؛ ۲۲. در صفت تبسم و خنده؛ ۲۳. در وصف بوسه، لب شکرآلود می‌شود؛ ۲۴. وصف سیب ذقش؛ ۲۵. وصف صبح گردنش؛ ۲۶. می‌زنم دست به مدح آغوش؛ ۲۷. در وصف بر و دوش؛ ۲۸. در صفت سینه؛ ۲۹. در صفت پستان؛ ۳۰. پیوسته صف چاک گریبان او کنم؛ ۳۱. در صفت ساعد؛ ۳۲. در صفت پنجه و دست و ناخن؛ ۳۳. در صفت کمر؛ ۳۴. در صفت شکم و ناف؛ ۳۵. در صفت سرین؛ ۳۶. وصف فاش نهران نهران سازم؛ ۳۷. وصف ساق؛ ۳۸. در صفت خلخال پا؛ ۳۹. در صفت کف پا؛ ۴۰. صفت سایه‌اش کند خورشید؛ ۴۱. در وصف شانه موی کشیده زبان من؛ ۴۲. در وصف سرمه اینک ورقی سیاه سازم؛ ۴۳. حنایی ساختم کاغذ به تعریف حنا اینک؛ ۴۴. وصف آینه می‌کند دل صاف؛ ۴۵. صفت وسمه‌ی ابرو گویم؛ ۴۶. طبع شد در وصف افشان زرفشان؛ ۴۷. چون بگویم ثنای بیره و پان؛ ۴۸. مدح و ثنای قلیان؛ ۴۹. وصف طرف کلاه می‌سازم؛ ۵۰. وصف جامه؛ ۵۱. تعریف چیچک؛ ۵۲. در وصف حمام؛ ۵۳. وصف صورتگر؛ ۵۴. در مدحت رقص.

۲. ۷. مناظرالانوار

نسخه‌ی خطی دانشگاه پنجاب لاهور به شماره‌ی ۵۷۸۶ از سید ابوالیمین عبدالرزاق یمینی شاه‌آبادی از ادیبان و شارحان هندی است. یمینی اثری دیگر با نام *مظاهرالاسرار* در صفت

سراپای عاشق دارد (رک. انیس لکهنویی، ۱۳۹۲: ۳۰۵؛ صبا، ۱۳۴۳: ۹۵۰-۹۵۱). این نسخه گزیده‌ی مناظر است که توسط رادها کسن (radha Kishan) فراهم آمده است. درواقع یمینی این اثر خود را ناظر به انیس/العشاق شرف‌الدین رامی پدید آورده است و خواسته آن را با توجه به سروده‌های شاعران پس از او به‌ویژه سبک هندی تا روزگار خود نقد و تکمیل کند. همین شیوه را عملاً رادها کسن در این گزینش پی گرفته است و برای نمونه با اضافه کردن «پستان» به سایر اعضا گفته که چون محبوب عربی زن است، این عضو در انیس/العشاق و مناظر مورد توجه قرار نگرفته؛ زیرا محبوب ایرانیان امرد بوده است. دراصل یمینی کتاب خود را در چهل منظر تألیف کرده و برای هر منظر متعلقاتی قائل شده است (رک. شفیعیون، ۱۴۰۱: ۴۲۹-۴۳۰) و برای هر کدام شواهد شعری قابل توجهی نقل کرده که فهرست آن به قرار زیر است:

۱. جمال و متعلقات: آئینه، جلوه؛ ۲. سر و متعلقات: کلاه، چیره، طره، اتاقه، گل؛ ۳. موی و متعلقات: عطر، شانه، فرق و متعلق فرق: مقنعه، کحل (? کلهچه)، سرآغوش، سرانداز، موبند؛ ۴. جبین و متعلقات: چین، عرق، قشقه، خال؛ ۵. ابرو و متعلقات: خضاب یا وسمه، چین، خال گوشه‌ی ابرو، ایما و اشارت؛ ۶. چشم و متعلقات: پشت چشم، خال گوشه‌ی چشم؛ ۷. مژگان؛ ۸. نگاه و متعلقات آن: سرمه، غمزه و عشوه، گردش چشم، دنباله‌ی چشم، حیا، جواب؛ ۹. بینی و متعلقات آن: حلقه‌ی بینی؛ ۱۰. روی و متعلقات آن: آینه، جلوه، (مندرج بعد از خال): عرق، نقاب، بوسه، گلگونه، آبله‌روی؛ ۱۱. [خال و متعلقات آن]؛ ۱۲. خط و متعلقات آن: مو تراش، شانه، آینه؛ ۱۳. لب و متعلقات آن: خط لب، خال لب، خنده و تبسم، بوسه، پان، تبخاله، خمیازه؛ ۱۴. دهان و متعلقات آن: دشنام، سخن؛ ۱۵. دندان و متعلقات آن: مسی؛ ۱۶. زبان و متعلقات آن: لکنت، سخن؛ ۱۷. ذقن و متعلقات آن: بوسه‌ی غبغب، خال، خط؛ ۱۸. چاه زرخدان و متعلقات آن: خال، بوسه، خط؛ ۱۹. گوش و متعلقات آن: در، آویزه، گوشواره، خال، خط؛ ۲۰. گردن و متعلقات آن: بیاض گردن، بوسه، خال گردن؛ ۲۱. بر و دوش و متعلقات آن؛ ۲۲. تن و متعلقات آن: پوشاک و زیور؛ ۲۳. بازو و متعلقات آن: تعویذ، بازوبند؛ ۲۴. ساعد و متعلقات آن: بوسه،

چوری، یاره؛ ۲۵. دست و متعلقات آن: بوسه، حنا؛ ۲۶. انگشت و متعلقات آن: حنا، انگشتری؛ ۲۷. سینه و متعلقات آن؛ ۲۸. چاک جیب؛ ۲۹. شکم و متعلقات آن: سُرّه؛ ۳۰. پستان؛ ۳۱. ناف؛ ۳۲. پشت؛ ۳۳. کمر و متعلقات آن: کمر بند، شمشیر، پیچش؛ ۳۴. سرین؛ ۳۵. عضو نهان و متعلقات آن: عصا، جماع؛ ۳۶. زانو؛ ۳۷. ساق؛ ۳۸. کف پا و متعلقات آن: حنا، خلخال، زنگوله؛ ۳۹. بالا و متعلقات آن: فتنه، خرام، نقش پا، حنا؛ ۴۰. ناز و ادا.

۲. ۸. نامه‌ی نگارین

نسخه‌ی ۶۱۰۲ کتابخانه‌ی ملی است که به کوشش وارسته‌ی سالکوتی در سال ۱۱۷۱ قمری فراهم آمده است. عنوان این جنگ که نامه‌ی نگارین و صفحه‌ی رنگین است، حاصل انتخاب او از هفتادوپنج اثر مشهور قرن دوازدهم و سیزدهم است. از بین حدود هشتصد موضوعی که وصفشان در این رساله آمده، بخشی هم به توصیف سراپای معشوق اختصاص یافته است (رک. سعیدی و شکری، ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۷۸). البته همه‌ی اعضای معشوق را دربر نمی‌گیرد و در عوض برخی موضوعات دیگر به آن اضافه شده که یا بی‌ربط به معشوق است؛ مثل بیداری و صفت خوابی که در خواب دیده می‌شود یا مثل خواب و شارب سابقه‌ای ندارد: ۱. قامت؛ ۲. خرام؛ ۳. دستار؛ ۴. طره‌ی دستار؛ ۵. جیفه؛ ۶. سرپیچ؛ ۷. موی؛ ۸. شانه؛ ۹. روغن خوشبو؛ ۱۰. فرق سر؛ ۱۱. معجر؛ ۱۲. کناری؛ ۱۳. سر؛ ۱۴. عقل؛ ۱۵. جبین؛ ۱۶. چین جبین؛ ۱۷. قشقه‌ی صندل؛ ۱۸. قشقه‌ی مرصع؛ ۱۹. خال طرف پیشانی؛ ۲۰. ابرو؛ ۲۱. خال ابرو؛ ۲۲. چشم؛ ۲۳. سرمه؛ ۲۴. سرمه و دود چراغ؛ ۲۵. مردم چشم؛ ۲۶. مژگان؛ ۲۷. نگاه؛ ۲۸. عینک؛ ۲۹. گریه؛ ۳۰. خواب؛ ۳۱. خوابی که در خواب دیده شود؛ ۳۲. حیا؛ ۳۳. بیداری؛ ۳۴. بینی؛ ۳۵. رخسار؛ ۳۶. خال؛ ۳۷. خط؛ ۳۸. محاسن؛ ۳۹. شانه کردن محاسن؛ ۴۰. شارب؛ ۴۱. گوش؛ ۴۲. گوشواره؛ ۴۳. در گوش؛ ۴۴. زلف؛ ۴۵. دهان؛ ۴۶. دندان؛ ۴۷. لب؛ ۴۸. پان؛ ۴۹. خال لب؛ ۵۰. زبان؛ ۵۱. گفتار؛ ۵۲. آواز؛ ۵۳. زنج و غبغب.

۲. ۹. چهارآیین محبوبی

ابوالفیض نجم‌الدین بن شمس‌العلوم متوفی ۱۳۰۶ در هرات به نام سیدمحبوب علیخان

بهادر و سپس نواب تراب علیخان بهاد در یک طغرا و چهارآیین و خاتمه تألیف کرده است. احمد مکرم عباسی نیز این رساله را به سال ۱۳۳۳ در کتابخانه‌ی آصفیه به شماره‌ی ۱۴۳۴۹ عرضه کرده است. رساله ماهیتی حکمی دارد و در همان ابتدا به ذکر اول مخلوقات و موالید سه‌گانه و فضیلت انسان بر دیگر حیوانات زمانه و ترغیب او بر آن جماعت پرداخته است. آیین اول در صفت حکمت و متعلقات این صفت، آیین دوم در صفات شجاعت و مناسب آن حکایت، آیین سوم در وصف عفت برکران دارنده‌ی آدم از خجالت و خفت، آیین چهارم در وصف عدالت خسرو و همه‌ی صفات به هر حالت و خاتمه در تذکره‌ی رسیدن آبای مؤلف اوراق در هند است. وصف معشوق به تناسبی در همان آیین اول، یعنی موافقت یار و ازدواج صحبت آمده که شامل همه‌ی اندام معمول می‌شود. تنها بعضی عناوین اعضا با دیگر آثار هم‌سنخش متفاوت است؛ برای نمونه خط میان شکم تا حد زیادی همان اندام نهانی است. یکی دوبیت فارسی و اردو دارد. موضوعات خواب و بیداری هم در ذیل همین اوصاف معشوق آمده است.

حال که نوبت به مهم‌ترین مرآةالجمال، یعنی همان مرآةالجمال صائب رسیدیم، لازم می‌دانیم ابتدا به جوهر ساخت این اثر که همان گزیده‌محور بودن آن است، اشاره کنیم.

۳. گذری بر گزیده‌پردازی‌های دیوان صائب

سابقه‌ی گزینش‌گری در ادب پارسی به همان قرن‌های آغازین شکل‌گیری ادب پارسی برمی‌گردد و برای نمونه می‌توان به اختیارات شاهنامه علی‌بن‌احمد قاینی اشاره کرد که حاوی پنج شش هزار بیت شاعرانه و حکمی شاهنامه است و در سال ۴۷۴ فراهم آمده است (رک. امیدسالار، ۱۳۸۱: ۸۵۳). با اوج و رواجی که این سنت ادبی به‌ویژه در شعر دوره‌ی صفوی و بابری پیدا می‌کند و اقبالی که به خواندن دیوان‌ها به وجود می‌آید، یکی از مهم‌ترین دیوان‌های شعر فارسی، دیوان صائب تبریزی، از همان زمان حیات شاعر بسیار در حیطة‌ی انتخاب قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که گفته‌اند خود «قریب پنجاه مجلد از منتخبات و اختیارات دیوان خود را به‌تدریج برای درخواست‌کنندگان و رجال و صدور

می‌فرستاده و تقریباً همه‌ی آن‌ها مشابه با هم و جز قلیلی در غزلیات توفیری یا تفاوتی با یکدیگر ندارند، حاشیه زده» (صائب تبریزی، ۱۳۴۵: مقدمه‌ی امیری فیروزکوهی، ۶۷). جالب توجه آنکه شخص صائب از این امر هم مضمونی کوک کرده و در حاشیه‌ی یکی از نسخه‌های دیوان خود که به رؤیتش رسیده، سروده است:

امید وقت خوش از جمع دیوان داشتم غافل که تصحیح دواوین خونی اوقات من گردد^۲
(گلچین معانی، ۱۳۶۴: ج ۱: سی و شش)

همچنین امیری فیروزکوهی قاطعانه معتقد است: «هیچ‌یک از این دواوین موجود کلیات صائب نیست؛ بلکه همه‌ی آن‌ها [...] منتخباتی است که صائب به تفاریق ایام و برحسب درخواست این و آن می‌نویسانده و غزل‌های تازه‌ساخته‌ی خود را در حواشی آن‌ها به خط خویش اضافه می‌کرده است» (صائب تبریزی، ۱۳۴۵: مقدمه‌ی امیری فیروزکوهی، ۱۱۸-۱۱۹). برخلاف ادعای باستانی‌راد در یادداشتش بر نسخه‌ی ۲۴۲۰ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران که مدعی شده: «از اشعار صائب انتخاب‌های مرآت‌الجمال یا مرآت‌الخیال به عمل آمده؛ ولی به این نام و این طرز در هیچ تذکره و منبعی مذکور نیست و ابدا دیده نشده»، باید گفت که در نقد ایمان (۱۳۸۶: ۲۴۱) به سرخوش بابت انتساب بیتی از صائب در توصیف لب معشوق به حسین مشهدی نام مرآة‌الخیال آمده است. شصت‌وهفت سال بعد از این اشاره، یعنی ۱۲۵۷ خان خلیل به برخی عناوین منتخبات اشعار صائب اشاره کرده و می‌گوید: «گویند مرزا مرحوم اشعار خود را که در صفت اعضای معشوق بود، به مرآت‌الجمال و آنچه در آن مذکور آینه و شانه بود، به مرآت‌الخیال موسوم نموده و مطالع و سایر اشعار خود را انتخاب فرموده، مسمی به واجب‌الحفظ ساخت» (خان‌خلیل، گ ۲۲۶). از دیگر عناوین منتخبات مثل «آرایش‌نگار» که ظاهراً نخستین بار تربیت (۱۳۷۸: ۳۳۱-۳۳۲) در سال ۱۳۰۱ ذکر کرده و منتخبات موضوعی دیگر، یعنی «یوسف و زلیخا» و «شمع و پروانه» و «آسمان و آسیا» که امیری فیروزکوهی (همان: ۶۹) و گلچین معانی (۱۳۶۴: ج ۱: سی و شش) نام برده‌اند، در هیچ منبع قدیم و اصیلی نشانی نیافتیم.

جالب توجه اینکه حیدرعلی کمالی که خود ظاهراً نخستین گزیده‌پرداز دیوان صائب در دوران جدید است، بی‌آنکه به دیگر منتخبات صائب اشاره کند، باصراحت برخلاف نظر

امیری و گلچین نوشته است: «تصور می‌رود که [مرآةالجمال] بعد از صائب از کلیه‌ی اشعار او انتخاب شده است» (رک. دریاگشت، ۱۳۷۱: ۳۵۸). این درحالی است که عنوان نسخه‌ی مرآةالجمال بر صدر فهرست نسخه‌ی شماره‌ی ۱۷۹ کتابخانه‌ی عارف حکمت که تاریخ ۱۰۶۹ را دارد، کاملاً گواه معروف بودن این عنوان در زمان حیات صائب بوده است.

از «میخانه» هم تنها در نسخه‌ی ۵۸۵ لالا اسماعیل نشانی یافتیم که بین «مرآةالجمال» و «محمود و ایاز» زلالی خوانساری قرار گرفته است. می‌توان گمان برد که همین جنگ و مانند آن است که بعدها باعث شده دیگران مثنوی‌ای با عنوان «محمود و ایاز» را هم به صائب نسبت دهند.

باین حال بر ما معلوم نیست که چرا در نسخه‌ی ۴۱۹ کلیات صائب کاخ گلستان که برخوردار از حک و اصلاح شاعر بوده و کتابت محمد صالح خاتون‌آبادی در ۱۰۷۱ است، عنوان این اثر نیامده و فقط به همان عناوین جزئی متفرقات و مطالع بسنده شده است. از نظر ما اصالت عناوین بر فهرست‌ها قابل تأمل است و ممکن است برافزوده‌ی دیگران و سال‌های پس از کتابت نسخه باشد؛ برای نمونه بعید می‌دانیم که عنوان برافزوده‌ی «مرآةالجمال» بر بالای فهرست نسخه‌ی بی‌تاریخ ۲۹۳۲ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، حاصل قلم شاعر و حتی کاتب باشد؛ به‌ویژه که این منتخب موضوعی ده هزار بیتی فراتر از «مرآةالجمال» و نظایرش است.

گواه این ادعای ما عنوان دیوان متناسبات بر نسخه‌ی ۲۴۲۰ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران است که به حدس قاطعانه‌ی تقریض‌نویس آن نسخه، به خط صائب است و متأسفانه فقط جلد اول آن تا پایان حرف سین موجود است؛ ولی چنان‌که بعدتر بدان خواهیم پرداخت، از سنخ همان گزیده‌ی موضوعی ۲۹۳۲ دانشگاه تهران است.

حال چگونه می‌توان با وجود این همه قراین ظریف و گاه متضاد این قدر قاطعانه در باب منتخبات موضوعی صائب سخن گفت و بی‌محابا مانند فهرست‌نویس نسخه‌ی ۱۰۰۷ مجلس نام بخش مطالع را «واجب‌الحفظ» آورد؛ درحالی‌که این بخش تقریباً در پایان بسیاری از کلیات و دیوان‌های صائب که بعضاً به خط خود او کتابت شده یا به رؤیتش

رسیده، یا بی‌عنوان یا درنهایت باعنوان «مطالع» آمده است. بدتر اینکه فهرست‌نویس این نسخه، اعتصام‌الملک، بر بخشی دیگر از منتخبات این نسخه عنوان «آرایش‌نگار» را آورده که هیچ شمول درستی بر موضوع شانه و زلف و مانند آن ندارد (رک. گلباز، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۵۳۰-۱۵۳۱) عین همین اشتباه را دیهیم (۱۳۶۷، ج ۲: ۳۵۵) مرتکب شده است و اندک توجهی بر عدم تطابق همان بیت شاهد حکمی که از صائب شاهد آورده با ابیات وصفی سراپایی و شانه و آئینه نکرده است.

جالب است که بدانیم طبق گفته‌ی شاهنوازخان (۱۳۸۸: ۵۰۴) عنوان واجب‌الحفظ نه مختص مطالع که برای کل منتخبی بوده که صائب خود از همه‌ی اشعارش فراهم آورده و در جبران صله‌ی پنج هزار روپیه‌ی جعفرخان فرستاده است. عنوان واجب‌الحفظ یک‌بار دیگر برای منتخب کل مضامین شعر صائب در قولی که امیری فیروزکوهی و یونس جعفری، از منبع نامعلومی، احتمالاً یکی از دیوان‌های چاپی هند صائب، ذکر کرده‌اند، آمده است. یکی از مریدان شعر صائب با نام عاملای بلخی «روزی به سیل سیاحت به صفاهان رسیده، نزد میرزا صاحب‌کمال بود. ظاهر حالش مردی سر و پا برهنه، نمدپوشی دست از دعا برداشته، دیوانه‌وشی خودرای. میرزا از دیدن چنین حالت متعجب گردید؛ لیکن به سبب حسن صفات و محاسن آداب، بغل‌گیر شد و بر صدر مجلس نشانیده، پرسید: از کجا می‌آیی؟ گفت از بلخ. گفت: اینجا چرا قدم‌رنجه کردی؟ گفت: از فرزندم شنیده بودم که با سخن ربطی داری، از این جهت اشتیاق دیدن تو مرا به اینجا کشید، اگر مسوده‌ای در این ایام شده، به شنیدنش آرزوست. میرزا علیه‌الرحمه پاره‌ای از مسودات خود پیش آن مرد حق‌شناس گذاشت و بسیار پسندید و میرزا خواهش نمود که برای چند روز در اصفهان بماند. او بدان شرط قبول کرد که برایش کلبه‌ای تهیه نماید و کسی وارد آن کلبه نشود. میرزا این شرط را قبول کرد. بعد از این واقعه میرزا از آن مرد درویش صفت تقاضا کرد دیوان مرتبه‌اش را ملاحظه کند و هرچه خوب‌تر به نظر بیاید، او جداگانه جمع نماید. عاملای بلخی این پیشنهاد را قبول کرد و دیوان میرزا را جز [ء] جز [ء] نموده، در حجره‌ی خود را بست و آنجا اوراق دیوان را روی کف اتاق گسترانید.

روزی میرزا در غیاب این درویش وارد اتاق شد، دید که دیوانش روی کف اتاق پهن شده و چند ورق از آن در گوشه‌ای افتاده است. میرزا از این موضوع خیلی خوشحال گردید و در کلبه‌ی آن فقیر را بسته، برگشت. بعد از مدتی عاملای بلخی بازگشت، حس نمود که کسی وارد اتاق او شده، پیش میرزا رفت و گفت مگر در میان ما و شما قراری نبود که کسی وارد اتاق من نشود. شما عهدتان را شکستید و من از اینجا حرکت می‌کنم. فعلاً این ابیات منتخبه حاضر است، اگر بیشتر می‌ماندم، حتماً اضافه می‌نمودم. پس از این گفت‌وگو راه خود را پیش گرفت و میرزا این اوراق را جمع نموده، ترتیب داد و اسم آن مسوده را *واجب‌الحفظ گذاشت*» (همان: ۲۰۰-۲۰۱).

کهن‌ترین شرح احوال از عاملای بلخی را نصرآبادی (۱۳۷۸: ۶۲۹-۶۲۸) آورده است که با همه‌ی اشارات دست‌اول و دقیق درباره‌ی خانواده و احوال صوفیانه‌اش و سفر و حضری که داشته، هیچ اشاره‌ای به ربطش صائب نکرده تا چه رسد به شاگردی‌اش نزد این شاعر استاد. میرزا طاهر وحید معروف به واقعه‌نویس را استاد عاملی برشمرده است. اطلاعاتی که واله داغستانی (۱۳۸۴، ج ۳: ۳۱۴۹۵) و رحم‌علی‌خان (۴۵۸) به‌اختصار آورده‌اند. درضمن بر ما معلوم نیست آن عاملی که سرخوش (۱۳۸۹: ۱۴۱) از شاگردان صائب دانسته با این عاملای یکی باشد؛ درحالی‌که بهوپالی (۱۳۹۰، ج ۲: ۵۹۴-۵۹۵) و به تبعش دیگر محققان معاصر مثل آقابزرگ (۱۹۸۳م، ج ۹: ۶۷۸) و خیام‌پور (۱۳۷۲: ج ۲: ۶۱۲) این دو را یکی دانسته‌اند، به‌ویژه آنکه سرخوش حرفی از بلخی بودنش نزده و حتی تکبیت شاهی هم که آورده است، منطبق با شواهدی که نصرآبادی از عاملای بلخی آورده، نیست. ^۳ فرجام سخن اینکه این شکایات ما درخصوص منتخبات و عناوین و گزینش‌گرانش تا زمان دستیابی به نسخه‌ای به خط صائب که دقیقاً با این عناوین ثبت شده باشد یا دریافت قول یکی از منابع اصیل نزدیک به او همچنان باقی خواهد ماند.

۴. تحلیل ساختاری مرآة الجمال صائب تبریزی

درواقع منتخبات دیوان صائب به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته‌ی نخست منتخبات غیرموضوعی است که اغلب حاوی غزلیات است و ممکن است گزینشگر از بین غزلیات

تعدادی را انتخاب کرده و به‌طور کامل یا باز هم‌گزینشی آورده باشد؛ یعنی انتخاب یک یا چند بیت از غزلیات او که معمولاً این‌گزینش دوم با عنوان متفرقات یا بی‌عنوان در آغاز و اغلب پایان دیوان‌های نسبتاً کامل آمده است؛ مثل نسخه‌ی ۴۱۹ کاخ گلستان و نسخه‌ی ۷۸۴۸ کتابخانه‌ی مجلس و نسخه‌ی ۶۹۶ حالت افندی، البته نسخه‌ی ۸۴۳۱ آستان قدس حاوی اضافاتی در حاشیه به خط صائب نیز است. گزینش نخست هم عموماً مختصر است که برای نمونه می‌توان نسخه‌ی ۴۶۸۴ آستان قدس را نام برد که حاوی شانزده هزار بیت است و به نظر حک و اصلاح صائب نیز رسیده است (رک. صائب تبریزی، ۱۳۷۳: ج ۱: هشت).

اما دسته‌ی دوم منتخبات موضوعی است که توسط شخص صائب یا طرفدارانش فراهم آمده. به غیر از عاملاهی بلخی کسانی دیگر هم بودند که در زمان حیات صائب و نزدیک به آن به انتخاب اشعار او پرداخته‌اند؛ برای نمونه می‌توان به منتخب میرمعزالدین فطرت (۱۱۰۱)، خلاصه‌ی صغیر محمدرفعی بهاری (جعفری، ۲۰۱) و *مرآة الجمال* میرزاطاهر نصرآبادی (ز ۱۰۹۹) اشاره کرد که منتخب اخیر علاوه بر موضوعات مشهور سراپانامه‌ای شامل بهار، مهتاب و شراب نیز هست.

با این تفصیلات به گمان ما اصیل‌ترین و مشهورترین منتخب موضوعی از صائب، همان *مرآة الجمال* است که بنا به آنچه گفتیم گاه به اشتباه به دیگر منتخبات صائب مثل نسخه‌ی ۴۳۴۰۹ آستان قدس نسبت داده شده است یا کسانی مثل نصرآبادی و آزاد بلگرامی و محمدباقر علیخان (رک. شفیع‌یون، ۱۳۸۹: ۱۵۳) این عنوان را برای اثر خود برگزیده‌اند.

مرآة الجمال مجموعه‌ی بیش از ۲۰ موضوع از اوصاف معشوق و طبق تصحیح ما ۴۰۰۰ بیت دارد که برخی وصف زیبایی‌های ذاتی و اندامی معشوق است؛ مثل ابرو و چشم و قد و مانند آن و برخی دیگر وصف محاسن رفتاری مثل تمکین و ناز و بوسه و نیز توصیف ملزومات زیبایی اوست؛ مانند بهله و کلاه و خانه‌ی زین و آئینه، البته گاه عنوان موضوع بر مضمون در ذهن‌گزینشگر ترجیح داده شده و برای همین در بین مضامین وصف معشوق گاهی مضامین دیگری که به خود موضوع برمی‌گردد، در این منتخبات به

چشم می خورد؛ برای نمونه بیت زیر ربطی به آینه‌ای که معشوق خود را در آن می بیند، ندارد و نوعی وصف حال سراینده است:

- نیست از گردون غباری بر دل بی کینه‌ام
جلوه‌ی طوطی کند زنگار بر آینه‌ام

در هر صورت اساس تدوین ابیات این منتخب به ترتیب بر مطالع، غزلیات و ابیات پراکنده‌ای یا همان متفرقاتی بنا نهاده شده که حاوی وصف موضوع مذکور است؛ با این حال باید گفت که ترتیب موضوعی چندان مطابق سراپا نیست؛ به طوری که پس از قد و قامت باز به زلف و کاکل و خال و خط پرداخته شده است. تفاوت ظریف دیگر خالی بودن این نوع منتخب از ذکر توصیفات اندامی چون بینی، سرین و... است که البته تا حدی طبیعی است؛ زیرا این موضوعات اصلاً در غزلیات صائب نبوده که انتخاب شود، با این همه موضوعی چون «خانه‌ی زین» عملاً معادل همان «سرین» در سراپاهاست. بعضی موضوعات هم مانند «دندان» و «رگ گردن» هم در بادی امر فریبنده بود و به نظر شامل ابیات سراپایی می توانست باشد که معلوم شد شاعر هیچ نگاهی عشق‌انگیز به این موضوعات نداشته است. ابیات پراکنده یا همان «متفرقات» معمولاً شامل یک یا چند بیت از غزلی است که در وصف همان موضوع خاص گفته شده و بعضاً به ترتیب حروف قافیه مرتب شده است. موضوعات به ترتیب زیر از این قرارند:

۱. آینه؛ ۲. ابرو؛ ۳. چشم؛ ۴. چشم کبود؛ ۵. مژگان و نگاه؛ ۶. دهان و لب؛ ۷. بوسه؛ ۸. رخسار؛ ۹. عرق؛ ۱۰. بناگوش؛ ۱۱. بیاض گردن؛ ۱۲. سیب ذقن و غبغب و چاه زرخدان؛ ۱۳. موی میان و کمر؛ ۱۴. بهله؛ ۱۵. طرف کلاه؛ ۱۶. خانه‌ی زین؛ ۱۷. قد و قامت و رفتار؛ ۱۸. زلف؛ ۱۹. کاکل؛ ۲۰. خال؛ ۲۱. خط.

البته چند موضوع دیگر نیز از دیگر منتخبات عمومی اشعار صائب مانند دیوان متناسبات و جنگ مرآة الجمال به این موضوعات می تواند اضافه شود که به قرار زیر است: آغوش، چین پیشانی و ابرو، بدن و ساعد، تمکین و ناز، حنا و نگار، بنابراین تعداد موضوعات سراپایی در این اثر به ۲۶ عنوان توسعه پذیرند؛ هر چند ابیاتی هم برای نمونه در عنوان حنا بود که ربطی به معشوق نداشت. با این حال مانند ابیات منتخب آینه که

ابیات وصفی عام را هم شامل می‌شد، از ذکرشان در متن دریغ نورزیدیم. شایان ذکر است که در دیوان متناسبات با آنکه اسلوب تدوینی «مطالع» و «متفرقات» و... وجود ندارد، ترتیب ابیات حسب حرف قافیه و ردیف قرار داشته است.

۵. نسخه‌شناسی

از این گزیده چند نسخه در کتابخانه‌های ایران و دیگر جای‌ها وجود دارد که بنا به اهمیت معیارهایی چون کمال و قدمت به شرح ذیل معرفی می‌شود:

۱. ۵. نسخه‌ی آستان قدس

جنگ ۴۴۹۳ حاوی منتخبات شاعران و نویسندگان قرن ششم تا یازدهم به همراه رقعات شاعران و مکتوبات سلطانی و نمونه‌هایی از رسالات عرفانی که به کتابت محمدجعفر شیرازی در ۱۰۵۵ هجری صورت تألیف یافته است. شیوه‌ی پردازنده‌ی جنگ درباره‌ی نقل *مرآةالجمال* تلخیص است و ما این را از دل همان چند موضوعی که کاملش در نسخه باقی مانده، متوجه شدیم. متأسفانه افزون بر این نسخه دچار افتادگی و جابه‌جایی اوراق هم شده است. اگرچه از عنوان «تمه‌ی مرآةالجمال» می‌توان حدس زد که جنگ پرداز پیش‌تر تا موضوع بوسه را در جایی مثلاً همان بخش منتخبات اشعار صائب آورده بوده و بعد دوباره در این بخش از جنگ به آن پرداخته است. نکته‌ی عجیب این نسخه ذکر این عنوان توصیفی «منتخب اشعار افصح‌المتکلمین فی عصره و زمانه مولانا صائب تبریزی علیه‌الرحمة» برای صائب (م ۱۰۸۷) است؛ درحالی‌که برای حکیم رکنای کاشی (م ۱۰۶۶) دعای «سلمه الله تعالی» آورده است.

۲. ۵. نسخه‌ی عارف حکمه

اگر از چند شعر کوتاه میرفندرسکی و حسن‌خان شاملو و... که در پیش و پس اوراق نسخه است، بگذریم، این تنها نسخه‌ی مستقل کامل *مرآةالجمال* است که در ۱۰۶۹ به قلم محمدرضا خلیفه به کتابت درآمده و با شماره‌ی ۱۷۹ در کتابخانه‌ی عارف حکمت نگهداری می‌شود.^۴ در یکی از اوراق پایانی با قلم دیگر امضای «بنده صالحم» نیز آمده است.

۵. ۳. نسخه‌ی ملک

جنگ خطی به شماره‌ی ۶۴۵۶ در سال ۱۰۷۰ توسط ناظم تبریزی فراهم آمده است. غیر از ریش‌نامه‌ی عبید زاکانی، ده بخش دیگر همه شامل آثار شاعران و نویسندگان دوره‌ی صفوی است. مرآةالجمال صائب که دومین بخش این جنگ است، از لحاظ محتوایی کامل و دارای عناوین مشخص است.

۵. ۴. نسخه‌ی کاخ گلستان

دیوان خطی صائب به شماره‌ی ۴۱۹ به کتابت صالح خاتون‌آبادی به تاریخ ربیع‌الاول ۱۰۷۱ است که علاوه بر غزلیات و مرآةالجمال شامل مطالع به ترتیب قوافی و متفرقات است؛ متفرقاتی که گاه از دو تا چهار بیت و بیشتر است. صائب این نسخه را دیده و به خط خویش برخی اصلاحات و اضافات را انجام داده است. نکته‌ی مهم فقدان موضوع آینه در مرآةالجمال است؛ به گونه‌ای که از ابرو شروع شده است و ممکن است خود گواه اثبات وجود منتخب دیگر، یعنی «آرایش‌نگار» باشد که بخش «آینه‌ی» آن به سبب پیوند مضمونی با اوصاف معشوق در همین مرآةالجمال وارد شده است.^۵

۵. ۵. نسخه‌ی لالا اسماعیل

جنگی مهم و مضبوط به شماره‌ی ۵۸۵ شامل دو منتخب مضمونی «مرآةالجمال» و «میخانه» است که این عناوین کلی را کاتبش، محمدعلی قوشچی در شمس‌های آغازین هر بخش آورده و در آخر هم منظومه‌ی «محمود و ایاز» آورده است؛ درحالی‌که از عناوین موضوعی در این نسخه مانند تاریخ و محل کتابت نشانی نیست.

۵. ۶. نسخه‌ی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

یکی از رساله‌های جنگ خطی به شماره‌ی ۱۴۱۹ است که متأسفانه تعدادی از اوراقش افتاده و در وصالی و شمارش آسیب دیده است؛ به طوری‌که هم بعضی اشعار در حاشیه ناپیدا شده و هم ورق‌ها جابه‌جا شده است. طبعاً چون بعدتر شماره‌گذاری شده،

فهرست‌نویس ناآشنا با مرآةالجمال، تنها همان چند ورق کنار هم را که با این عنوان آمده، مرآةالجمال دانسته است؛ درحالی‌که طبق بررسی ما اوراق دیگری هم از این نسخه حاوی ابیات مرآةالجمال است که به اول و آخر نسخه رفته است. حسب ۵۴۱ بیت تازه‌ای که در همین ده موضوع سرپایی، آینه، ابرو، رخسار، لب و دهان، عرق، بوسه، چشم، چشم‌کبود، مژگان و نگاه، نسبت به نسخ ملک، کاخ، عارف و لالا آمده است و نیز عنوان «تمکین» که تنها یک بیتش باقی مانده، به نظر می‌رسد این مرآةالجمال که عنوان «فرماید» را در برخی مواضعش دارد، از منتخبات مفصل‌تری انتخاب شده است. به‌هرحال این نسخه در مجموع حدود ۱۱۱۴ بیت از شعر صائب را در خود جا داده است.

۵.۷. نسخه‌ی سپهسالار

جنگ خطی ۱۴۳ سپهسالار جزو نمونه‌های اندکی از شاعران عهد قدیم به سبب شمولش بر نظم و نثر ادبای دوره‌ی صفوی و بابریان هند مربوط به قرن یازدهم است. در میان انبوه اشعار، تلخیصی هم از مرآةالجمال صائب دارد و با آنکه تمام بیست موضوع سرپایی را دارد، ابیاتش بسیار اندک است و از حدود سیصد و اند بیت تجاوز نمی‌کند. از عناوین هم تنها به ذکر عنوان موضوعات و مطلع و غزل بسنده کرده و با اینکه از تک بیت‌ها هم انتخاب کرده، از ذکر عنوان «متفرقات» عاری است.

۵.۸. دیوان متناسبات

نسخه‌ی ۲۴۲۰ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران که منتخب حدود هشتاد موضوع تکی و جفتی به‌ترتیب الفبا تا حرف شین، از آدم و آینه تا سرو و فاخته است. گویا تمهه‌ی آن یا هرگز فراهم نیامده یا گم شده است؛ با این همه مطابق استقصای ما مفصل‌ترین منتخب صائب است و حدود شانزده هزار بیت از او را در خود جای داده است. خلاف نظر فهرست‌نویس مبنی بر نسخه‌ی مؤلف بودن آن حسب نوع خط و امضاهای در حاشیه و اضافات و حک و اصلاحات، ما تنها به اینکه نسخه حاوی نظر اصلاحی مؤلف است، اطمینان داریم؛ چون با همه‌ی صحت نسبی ضبط‌ها گاه اغلاطی غیرمحتاطانه هم در نوع

انتخاب ابیات و هم کلمات اعم از ردیف و قافیه و غیرهم در آن مشهود است. حک و اصلاحات هم مربوط به ابیات گزیده است و نه ضبط کلمات. گزینشگر ترتیب ابیات را ذیل هر موضوع حسب حرف قافیه و ردیف آورده و جز اینکه گاه‌به‌گاه عنوان‌های «مطلع» یا «غزل» را افزوده، هیچ نشانی از سنخ تدوین رایج مرآةالجمال‌ها نیست که برای نمونه ابتدا «مطالع» و بعد «غزل» و در آخر «متفرقات» بیاید.

۵. ۹. مرآةالجمال

نسخه‌ی ۲۹۳۲ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران که با آنکه حدود ۱۸۰ موضوع تکی و جفتی را دربردارد، حجمش از دیوان متناسبات کمتر است. نسخه با آنکه به نستعلیق خوب و تمیزی نوشته شده و حالت مسوده‌ای جنگ قبلی را ندارد، بی‌غلط نیست. نویسنده‌ی یادداشت بر آغاز نسخه، باستانی‌راد، درباره‌ی اصالت نسخه بسیار اغراق کرده و معتقد است که به رؤیت و اصلاح شاعر رسیده؛ درحالی‌که اولاً حجم حواشی و اصلاحات بسیار اندک و انگشت‌شمار است و ثانیاً هیچ شباهتی به خط صائب ندارد و حتی از امضای معروف او هم نشانی در این نسخه نیست.

۶. نتیجه‌گیری

مرآةالجمال از سرپانامه‌های تدوینی ادب پارسی است که منتخبی از اوصاف منظوم یا منثور معشوق و ملزومات اوست. ممکن است این منتخب از یک یا مجموعه آثار یک یا چند شاعر توسط خود شاعر یا طرفداران شعر او فراهم آمده باشد. در گنجینه‌ی ادب پارسی نمونه‌های متعددی از این گونه به چشم می‌خورد که بعضی مانند مرآةالجمال صائب بسیار مشهور و درعین حال ناشناخته‌اند. این اثر صائب جز آنکه خود یکی از مفیدترین مجموعه‌های شعر او برای آشنایی با طرز خیال و فهم زبان و اصطلاحات شعری‌اش به شمار می‌آید و به سبب هم‌نشینی ابیات هم‌مضمونی که در آن رخ داده، ایضاح برخی ابهامات معانی و پیچیدگی اشعار را به‌دنبال دارد، حاوی زیباترین توصیفات شعری با ترفندهای زیبایی‌شناسی سبک هندی است. جز این اثر باید به سایر

مرآةالجمال‌های منظوم و منظوری اشاره کرد که همه در این مقاله آمده است و به‌خوبی سیر تطور مضامین ادبی اوصاف معشوق و تأثیر و تأثرات شعرا در این وادی را به نمایش می‌گذارد. خاصه که تعدادی از آن اشعار متعلق به شاعران هندی و فرهنگ شبه‌قاره است و در کل ارزش لغوی و تبیین مفاهیم درست اصطلاحی را در خود دارد. متأسفانه با همه‌ی ارزشمندی و اهمیت چندوجهی که برای این آثار برشمردیم، هنوز در دل تراش خطی گم و ناشناخته مانده‌اند که نخست ایجاب می‌کند تا به بررسی نسخه‌شناسی و سپس تصحیح این آثار پرداخته شود.

یادداشت‌ها

۱. مرآةالجمال آزاد بلگرامی، بخش اول نسخه‌ی ۴۳۴۹ و سراپای محرم کشمیری به ترتیب مصداق این سخنی است که گفته شد.
۲. شگفت آنکه به صائب کتابت دیوان شمس و خمسه نظامی را هم نسبت داده‌اند (رک. صائب تبریزی، ۱۳۴۵، مقدمه‌ی امیری فیروزکوهی: ۳۰-۳۱).
۳. رحم‌علی‌خان (۴۶۵) هم این دو را یکی ندانسته است و عین مطالب سرخوش را در جای دیگر آورده است.
۴. برای شعر حسن شاملو رک. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس، شماره‌ی ۴۳۶، گ. ۵.
۵. یکی از این قراین تکرار بعضی ابیات در این گزیده است که دلیل دیگرش حضور دو موضوع در یک مضمون است؛ مانند بیت زیر که یک‌بار ذیل آینه و بار دیگر ذیل مژگان آمده است:
- صفحه‌ی آینه را کاغذ سوزن‌زده کرد / تا چه با سینه‌ی مجروح کند مژگانش

منابع

- آقابزرگ. (۱۹۸۳م). *النریة الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالإضواء.
امیدسالار، محمود. (۱۳۸۱). «نکته‌ای در باب هویت جامع کتاب اختیارات شاهنامه». *ایران‌شناسی*، سال ۱۴، شماره‌ی ۴. صص ۸۵۰-۸۵۵.

انیس لکهنوی، موهن لعل (۱۲۳۹ق). انیس الاحباء. ترتیب و تقدیم پروفیسور انوار احمد. پتنه: کتابخانه‌ی خدابخش.

ایمان، رحم علی خان. (۱۳۸۶). منتخب اللطایف. تصحیح حسین و مهدی علیزاده، تهران: طهوری.

بهوپالی، سیدعلی حسن خان. (۱۳۹۰). صبح گلشن. تصحیح مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: اوستا فراهانی.

تربیت، محمدعلی. (۱۳۷۸). دانشمندان آذربایجان. با اشراف غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: طبع و نشر.

جعفری، یونس. (۱۳۸۹). صائب تبریزی. تهران: بنیاد موقوفات افشار.

خان خلیل، ابراهیم. صحف ابراهیم. نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۷۱۱، کتابخانه‌ی توپینگین. خیام پور، رسول (۱۳۷۲)، فرهنگ سخنوران، تهران: طلایه.

دریاگشت، رسول. (۱۳۷۱). صائب و سبک هندی. تهران: بنیاد موقوفات افشار.

دیهم، محمد. (۱۳۶۷). تذکره‌ی شعرای آذربایجان. تبریز: آذربادگان.

راشدی، حسام‌الدین. (۱۳۴۶). تذکره‌ی شعرای کشمیر. لاهور: اقبال آکادمی پاکستان.

سرخوش، محمدافضل. (۱۳۸۹). کلمات الشعرا. تصحیح علیرضا قزوه، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.

سعیدی، عباس؛ یدالله شکری. (۱۳۹۵). «سراپانامه‌ای منتشر از سیالکوتی». نامه‌ی فرهنگستان (ضمیمه‌ی شبه‌قاره)، شماره‌ی ۶، صص ۱۴۵-۱۷۸.

شاهنوازخان. (۱۳۸۸). بهارستان سخن. ویراسته‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

شفیعیون، سعید. (۱۳۸۹). «سراپا، یکی از انواع ادبی غریب فارسی». جستارهای ادبی، سال ۴۳، شماره‌ی ۱۷۰، پاییز. صص ۱۴۷-۱۷۴.

_____ (۱۳۹۴). «درنگی بر چندگونه‌ی همسنگ: کارنامه، شهرآشوب، اشعار

صنعی و شهرانگیز». نقد ادبی، سال ۸، شماره‌ی ۳۰، تابستان، صص ۸۱-۱۱۷.

_____ (۱۴۰۱). «نسخه‌شناسی و گونه‌شناسی مناظرالأنوار». کهن‌نامه‌ی ادب

پارسی، سال ۱۳، شماره‌ی ۱، صص ۴۱۵-۴۳۹.

صائب تبریزی. (۱۳۴۵). دیوان صائب. مقدمه‌ی امیری فیروزکوهی، تهران: خیام.

_____ (۱۳۷۳). دیوان صائب. تصحیح محمد قهرمان، تهران: علمی - فرهنگی.

صبا، مولوی محمد مظفر حسین بن محمد یوسفعلی. (۱۳۴۳). تذکره‌ی روز روشن. تصحیح

محمد حسین رکن‌زاده‌ی آدمیت. تهران: کتابخانه‌ی رازی.

قانع تنوی، میرعلی شیر. (۱۹۵۷م). مقالات الشعرا. تصحیح سید حسام‌الدین راشدی، کراچی:

سندھی ادبی بورد.

کامی قزوینی. (۱۳۹۵). نفایس‌المآثر. تصحیح سعید شفیعیون، کتابخانه‌ی مجلس شورای

اسلامی

گل‌باز، ناصر. (۱۳۹۰). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی. تهران:

کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.

گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۴). فرهنگ اشعار صائب. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی.

نصرآبادی، میرزا طاهر. (۱۳۷۸). تذکره‌ی نصرآبادی. تصحیح احمد مدقق یزدی، یزد:

دانشگاه یزد.

واله‌داغستانی، علی‌قلی. (۱۳۸۴). ریاض‌الشعرا. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران:

اساطیر.